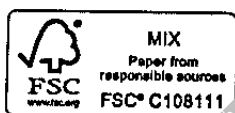




دختران بیدرود

سری کتاب‌های سلوچ و ارمان فارسی

شهلا کساری



نشان استاندارد کاغذ پالک سوئد

سرشناسه: کسازي، شهلا، ۱۳۴۷
عنوان و نام پديدآور: دختران سپيدرود/ شهلا کساري
مشخصات نشر: تهران، انتشارات شالگردن، ۱۴۰۳
مشخصات ظاهري: ۱۸۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۳۰-۸۰-۵
وضعيت فهرست نويسي: فيبا
موضوع: داستان‌هاي فارسي -- قرن ۱۵
Persian fiction -- 21th century
رده‌بندي کنگره: PIR۸۳۵۸
رده‌بندي ديويي: ۸۶۳/۶۲
شماره کتابشناسي ملي: ۹۸۲۲۶۷۷



دختران سپیدرود
شهلا کساری

نشر: شالگردن

تیراژ: ۲۲۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۴

صفحه‌آرایی و طرح جلد: استودیو شالگردن

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: سازمان چاپ تهرانی

حق چاپ و انتشار انحصاراً در اختیار نشر شالگردن می‌باشد.

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۳۰-۸۰-۵

مقدمه

سپیدرود، روخانه‌ی بزرگ سرچشمه گرفته از کوه‌های کردستان بعد از گذر از مسیرهای فراوان، در شهر منجیل، رودخانه‌ی ماه‌رود را با آغوش باز می‌پذیرد و بعد از گذشتن از دشت گیلان به سمت دریا، خزر (کاسپین) سرازیر می‌شود. در این مسیر تا رسیدن به دریا، زمین‌های زیادی را سیراب و حاصلخیز می‌کند. دهات و روستاهای زیادی در دو طرف رود در طول سالیان دراز به وجود آمده است. عشق به زندگی و لذت بردن از آن موهبتی است که سپیدرود، در دل مردمان پیرامونش جاری می‌کند و سالیان مدید، به درازای یک تمدن، خوی لطیف ساکنین این مناطق تحت تاثیر آن قرار دارد. ماهی‌گیران از دل آن رزق و روزی به دست آورده و کشاورزان آبش را به زمین‌هایشان جاری می‌کنند. جوانان زیادی عشق زندگی‌شان را در کنار این رود پیدا کرده و مسیر سبز زندگی‌شان را از آن‌جا آغاز می‌کنند.

چند سالی بود کہ از جنگ جہانی این می گذشت. بعد از ناآرامی ها و قحطی های دوران جنگ کہ ناخواستہ ایران تحمیل شدہ بود، کم کم مردم توانستہ بودند تلخی ها و سختی های جنگ را بہ سرت سر بگذارند و بہ روال عادی زندگی برگردند.

مردمان خطہی شمال ہم کہ در زمان جنگ بیش تر بہ ناآرامی را تجربہ کردہ بودند و در سال های اشغال توسط شوروی، دچار قحطی شدہ بودند، سعی می کردند رنج ها را بہ فراموشی بسپارند و با شروع ہر سال نو با امید بہ رزق و روزی بیش تر، نشاہای برنج را در شالیزارها بکارند و با شادی و سرور در باغ ها و جالیزها کار کنند. ہر بہاری کہ می آمد برای آن ها نوید شادی و امید و فراوانی بود.

سپیدرود، ہر سال با آمدن بہار پر آب تر و خروشان تر می شد و در روز سیزدہم سال نو ہمانند ہر سال منتظر مردمانی بود کہ آن روز را در کنارش جشن می گرفتند و بہ رقص و پایکوبی می پراختند.

اهالی بخش پسیخان^۱ دلبستگی زیادی به این رودخانه داشتند. آب خروشان این رودخانه باعث رونق کشاورزی و باغداری آن ناحیه بود و محل درآمد ماهی‌گیران و کولی‌گیرانی بود که با تور ماهی‌گیری تا سینه در آبش فرو می‌رفتند و رزق روزی خود و خانواده را از دل خروشان آن به‌دست می‌آوردند. مردم در جشن سیزده بدر به کنار رودخانه می‌رفتند و بعد از شادی و رقص و پایکوبی، سبزه‌های عیدشان را به آب زلال سپیدرود می‌سپردند. دخترهای جوان پیش از انداختن سبزه به داخل آب، ساقه‌های سبز گندم را به هم گره می‌زدند و آرزو می‌کردند بتوانند سال آینده به همراه همسر و فرزندان کنار رودخانه برای جشن و سپردن سبزه به آب بایند. تقریباً هیچ دختری از این شانس و آرزو غفلت نمی‌کرد. چه‌بسا بعضی از همین دخترکان زیرک در زمان جشن و پایکوبی همسرخویش را علی‌رغم هیاهوی جمعیت انتخاب می‌کرد و ناز و عشوه شریک زندگیش را متوجه خودش کرده و بعد از آن که در بستر مرد علاقه‌اش را می‌ربود منتظر می‌ماند تا او به همراه خانواده به خواستگاری بیاید. و این آرزوی گره‌زده شده به سبزه‌ی عید به حقیقت می‌پیوست.

۱. ناحیه‌ای از سمت غرب به فاصله‌ی شش کیلومتری از شهر رشت که رودخانه‌ی سپیدرود از وسط آن می‌گذرد و روستاهای زیادی در دو طرف این رود وجود دارد.

۲. گونه‌ای ماهی از سرده سیاه‌کولی‌ها، از خانواده‌ی کپورماهیان است که در دریای خزر، حوضه‌های جنوبی دریای خزر، سواحل استان گیلان (تالاب انزلی) و رودخانه‌های استان مازندران یافت می‌شود.